

راز همبستگی ملی و مانایی ایران

روزنامه شرق در یادداشتی در تبیین همبستگی ملی و درخشش ملت ایران در کنار رشادات‌های نیروهای مسلح در مقابله با تجاوز رژیم‌صهیونیستی نوشت: مهر به وطن، باور به مبدأ ماورایی و توحید و یگانگی پروردگار و روز رستاخیز و پایبندی به اخلاق و عفت عمومی که در تمامی نقوش باستانی ایران قابل مشاهده و سر تمایز آن با دیگر فرهنگ و تمدن‌هاست، از دیگر ویژگی‌های فرهنگ ملی ماست که امروز در کالبد و روح و روان مردمان ایران‌زمین تجلی یافته و در جنگ ۱۲ روزه و تجاوز دشمن به خاک وطن به نامیشی تحسین‌برانگیز بدل شد.

نویسنده اضافه کرده است: رمز پایداری و انسجام ملی مردمانی بودند که هنوز زخم‌های کهنه جنگ هشت‌ساله و رنج‌های بی‌شمار و استرس و اضطراب روزهای تجاوز را بر جان و روح و روان خود تحمل کردند و پای ایران و استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی ایستادند و سرانجام آفریننده انسجام ملی، نیروهای مسلح و سربازان و مرزبانان سرفراز وطن و شهدای گرانقدر و مصدومان صوری بودند که در شکوه و همبستگی ملی در کنار و همراه و همدل مردم ایران از میهن پاسداری کردند.
اینک در پاسخ به این وحدت باشکوه برای مدی گاری ایران، بر مسئولان کشور فرض است که این روزهای درخشان را فراموش نکنند، آن را پاس دارند و به ملت تکریم و تعظیم کنند، در سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته تجدیدنظر کنند، دیپلماسی فراگیر را با بهره‌گیری از توان ملی همه ایرانیان برای ایجاد توافق پایدار و گذر از دوران پر اضطراب و استرس آتش‌بس موقت و برقراری آرامش خاطر و امنیت روانی مردم به کار گیرند و به توصیه‌های راهگشای دلسوزان و خردمندان و صاحب‌نظران خیرخواه ملک و ملت گوش فرا دهند.

لغو تحریم‌ها چه شد؟

روزنامه کیهان در یادداشتی انتقادی نوشت: نقطه‌های خیالی عنوان طرحی بود که ۹ بهمن ۱۳۹۳ پایگاه حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری منتشر کرد؛ طرحی که با تصویر قدم زدن خارج از چارچوب مذاکرات محمدجواد ظریف با جان کری، وزیر خارجه وقت امریکا در ۲۴ دی ۱۳۹۳ در خیابان‌های لوژان سوئیس ساخته شده بود. این طرح واکنشی به اقدام فرجه‌مح آقای ظریف آن هم درست یک هفته پس از سخنان صریح رهبر معظم انقلاب در نغی دل سپردن به مذاکرات و اعتماد به امریکا بود.

در دولت آقای روحانی اما دل سپردن به «قطعه‌های خیالی» روایت هر روزه آن ایام بود. آنها مذاکرات را با هدف «لغو تحریم‌ها» آغاز کردند اما در پایان فعالیت‌شان، به رغم تعطیلی و محدودسازی بی‌سابقه صنعت هسته‌ای، تحریم‌های ایران بیش از دو برابر شد تا جایی که محمدجواد ظریف که قرار بود با مذاکره تحریم‌ها را برادر، خودش هم تحریم شد و با دست خالی برگشت! حسن روحانی و دولت‌رئانش پس از این کارنامه ناموفق سراغ «قطعه‌های خیالی» دیگری رفتند. آنها در سخنرانی‌های مختلف مواردی مثل «رسوایی امریکا با برجام» و «شکاف میان اروپا و امریکا با برجام» را از دستاوردهای برجام لقب دادند. نویسنده سپس اضافه کرده است: «قطعه‌های خیالی» همچنان روایت این روزها می‌است. دولت پزشکیان بدون توجه به تجربه تلخ دولت حسن روحانی کوب‌وش همان مسیر را پیش گرفته است؛ مذاکراتی که قرار بود در دولت چهاردهم برای «لغو تحریم‌ها» انجام شود پس از پنج دور، ۳۱۳ تحریم جدید طی ۱۰ بسته تحریمی فقط برای شبکه فروش نفت ایران به‌ارفعان آورد. حالا دولت‌مردان چهاردهم بدون آنکه از هدف‌شان برای «لغو تحریم با مذاکره» سخنی به میان بیاورند برای ما از اختلاف‌افکنی بین ترامپ و نتانیاهو با مذاکره سخن می‌گویند! این یکی دیگر از همان «قطعه‌های خیالی» است که رهبر معظم انقلاب ۱۰ سال پیش مسئولان را از دل سپردن به آن نهی کردند.

وحدت ملی را تضعیف نکنید

روزنامه ایران در یادداشتی از زاویه دیگری به جنگ ۱۲ روزه پر داخخت و نوشت: در شرایط حساس و پر تنش ناشی از حمله رژیم‌صهیونیستی علیه ایران، یکی از نقضات قابل توجه و مثبت عملکرد دولت آقای پزشکیان، حفظ آرامش و ثبات در جامعه بود. بر خلاف انتظار عمومی که در چنین شرایط بحرانی می‌توانست به بی‌نظمی در بازار و اقتصاد منجر شود، دولت توانست مانع بروز چنین بحران‌هایی شود، حتی با وجود اینکه هر خی شهروندان شهرهای خود را ترک کردند، باز هم آرامش نسبی در کشور حفظ شد و این نکته گواهی بر مدیریت موفق دولت در این برهه سخت است. عملکرد دولت پزشکیان به گونه‌ای بود که اثرات مخرب و نگرانی ناشی از حملات بیگانه در زندگی روزمره مردم کمترا احساس شد.

نویسنده اضافه کرده است: در شرایط کنونی که کشور با چالش‌های متعددی روبه‌رو است، ضروری است همه جریان‌ها و افراد مرتبط با سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، بیش از هر زمان دیگری بر حفظ ثبات اقتصاد، آرامش اجتماعی و امنیت ملی تأکید داشته باشند. بیان اظهاراتی که به منزله ایجاد تردید در توانایی مسئولان باشد، نه تنها به نفع کشور نیست، بلکه می‌تواند به تشدید تنش‌های داخلی منجر شود. هیچ دولت مستقری حاضر نیست به‌سادگی چنین مسئولیت حساس و پیچیده‌ای را به جناح رقیب واگذار کند، بنابراین باید این گونه اظهارات غیرمنصفانه کنار گذاشته شود تا مسیر توسعه و پیشرفت کشور باقوت، همدلی و هم‌افزایی ادامه یابد.

«سرباز ایرانی» افتخار ایرانی

روزنامه اعتماد در یادداشتی به تحلیل از رازهای مسلح در جنگ ۱۲ روزه پر داخخت و نوشت: «سرباز ایرانی» با مقاومت می‌مانند خود دستاوردهای جهانی و بزرگی را برای ملت ایران به ارمان آورد. اول اینکه «فسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل را در هم شکست» و متقابلاً «فسانه پایداری ایرانی» را به اثبات رساند. دوم اینکه به زعم گنده‌گویی ترامپ در زمان حمله به ایران (مقایسه بمباران هیروشیما زاین و فردوی ایران از سبوی امریکا) اگر چه در پی «نفجار هیروشیما» سربازان و ملت زاین در سال ۱۹۴۵ میلادی تسلیم شدند اما در «نفجار فردو» نه تنها هیچ سرباز ایرانی تسلیم نشد و قرارداد تسلیم امضا نکرد بلکه مقاومت متحد و یکپارچه مدنی و جدید در بین سربازان و ملت متحد ایران با اهدافی بزرگ‌تر و جدیدتر برای کسب حقوق هسته‌ای همراه با آزمان‌های ملی و جهانی متولد شد. این درحالی است که این اتفاق فردو نبود که باعث تسلیم و پایان جنگ شد بلکه حمله متقابل و شجاعانه سربازان ایرانی (در پاسخ به حمله به فردو) به بزرگ‌ترین پایگاه نظامی امریکایی العدید در خاورمیانه باعث تسلیم امریکا و اسرائیل شد. به عبارت دیگر در جنگ ۱۲ روزه، دفاع و حملات خردمندانه و سلحشوره‌ا ایرانیان را ویژه نیروهای مسلح ما، یک جایگاه ممتاز جهانی و تاریخی را نصیب ایرانیان کرد. این درحالی است که در فردای این حمله ناجوانرانه بود که برای همیشه «غرب فرو ریخت.» هم‌اکنون غرب و اعتبار اخلاقی و حقوق بشری آن در دو گام و موج تهاجم و پراکنگری در پی و آشکار جهانی و در پیش چشم بیش از ۸میلیارد بیننده در جهان فرو ریخته است، دیروز در غزه و امروز در ایران و در این امر بزرگ سهم «سرباز ایرانی» در دفاع از ایران، بیش از دیگران خودنمایی می‌کند.



روزنامه جوان | شماره ۲۳۵۳ |

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ | ۲۰ محرم ۱۴۴۷ |

سرویس سیاسی ۹۰۸۵۲۳۰

تحلیل

فائزه سادات یوسنی



رضا دهشیری / جوان

همدلی چگونه نقشه دشمن را بر آب کرد

خوابی که درباره ایران تعبیر نشد و نمی‌شود

تجاوز رژیم‌صهیونیستی و امریکا به خاک کشور و در مرحله دوم، پروژه شکست‌خورده دشمن برای ایجاد آشوب مسلحانه عمل کرد. به شهادت رسیدن شماری از مدافعان میهن و پایدردی آنان در صیانت از مرزا، چنان خروش میهن پرستانه‌ای در جان جامعه برانگیخت که علیه ایران باطل کرد و محاسبات‌شان را به طور سرمایه‌گذاری کرده‌اند، نابود شود. در واقع، آنان دریافتند که در کشان از جامعه ایرانی تاجه‌اندازه نادرست بوده و در نتیجه اجرای راهبرد تغییر از درون را غیر ممکن ساخته است.

■ **دو معنای مجزا برای همبستگی ملی**
باید توجه داشت که انسجام ملی دو وجه اساسی دارد: نخست، تعمیق پیوندهای همدانه میان مردم و دوم، همبستگی و حمایت عمومی برای حاکمیت. علاوه بر این، وجود دشمنان خارجی می‌تواندآوزان به خاک کشور نیز در تقویت این انسجام نقش بسزایی ایفا می‌کند. نتیجه بنیادین تجلی این دو وجه انسجام، تقویت قرار می‌دهد، شکل‌گیری هر دو نوع انسجام ملی و رشد تصاعدی آن به تناسب تشدید حملات امریکا و رژیم‌صهیونیستی است. این دو جنبه‌سازاری از کودکان و مردم عادی رنگ و بخت و خوی ایران سستیزانه و ریبیکارانه‌شان را بر همگان رسوا کرد. در واقع، ادراکات جامعه بر پس‌زدن روایت‌های جعلی از سبوی آنها، واقعیت‌ها را بازتاب داد. بر همین اساس، جبهه امریکایی - صهیونیستی زمانی که متوجه شدند تداوم جنگ، نه تنها مفروضات ذهنی آنها را

ثمرات جنگ ۱۲ روزه تحمیلی، از چند جهت قابل ارزیابی است. یکی از مهم‌ترین آنها، ظهور و بروز حس وطن‌دوستی و به تبع آن شکل‌گیری یک انسجام ملی خودجوش است. همانطور که تاریخ نشان داده، مردم زمانی که کشور مورد تعرض دشمنان خارجی و در معنای کلاسیک خود اجنبی قرار گرفته است، از هیچ کوششی برای دفع و مقابله با آنها فروگذار نکردند. در حقیقت، انسجام بر خاسته از پیوندهای قوی ملی، مذهبی و هویتی، مبنای تشکیل خط دفاعی مستحکم و مقتدر در برابر دشمنان شد. اما نکته‌ای که این جنگ دربرداشت، تمرکز دشمنان بر اختلافات و افتراقات به عنوان یک ابزار کارآمد در تکمیل نقشه جنگ خود بود. در واقع، امریکا و رژیم‌صهیونیستی تلاش داشتند به طور همزمان با آغاز یک رویارویی نظامی، تاکتیک تنش و پادگانی خود ماننداینترنشئال و دیگر رسانه‌های نارآمی در جامعه را از سبوی اعمالان داخلی کلید بزنند، روشنی که هم قدرت حاکمیت مردم‌گرا را تضعیف کند و هم به طور جداگانه ابزار داخلی به عنوان نمونه، به ادعای مضحک وزیر جنگ صهیونیست‌ها، دلیل بسلی حمله به زندان اوین، «هدف قرار دادن ابزارهای سرکوب بود.» به تعبیری، رژیم‌صهیونیستی و امریکا می‌کوشیدند با این حمله، پروژه براندازی و آشوب مسلح خیابانی را به جنگ موسیقی خود متصل دهند. آنها درصدد بودند کانون‌های پرورش داده شورشی را به خیابان‌ها راهی کنند و در عقبه آن با استفاده

به عنوان نمونه، به ادعای مضحک وزیر جنگ صهیونیست‌ها، دلیل بسلی حمله به زندان اوین، «هدف قرار دادن ابزارهای سرکوب بود.» به تعبیری، رژیم‌صهیونیستی و امریکا می‌کوشیدند با این حمله، پروژه براندازی و آشوب مسلح خیابانی را به جنگ موسیقی خود متصل دهند. آنها درصدد بودند کانون‌های پرورش داده شورشی را به خیابان‌ها راهی کنند و در عقبه آن با استفاده

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران درباره

انسجام ملی در جریان جنگ ۱۲ روزه گفت که هیچ یک از جریان‌های سیاسی، اعم از چپ یا راست، نقشی مؤثر و فعال در شکل‌گیری این همبستگی ملی ایفا نکرده‌اند. محمد عطاریانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، در گفت‌وویی تفصیلی با خبرگزاری فارس در تحلیل تحولات اخیر و جنگ ۱۲ روزه گفت: برای درک حوادتی که طی یکی دو ماه گذشته گریبگنجان ایران شد و کشور را در رویارویی تمام‌عیار با اسرائیل و به‌ویژه ایالات‌متحده قرار داد، نمی‌توان به تحلیل‌های گذرا و مقطعی بسنده کرد. واقعیت این است که مناقشه میان ایران و امریکا یک مناقشه

تاریخی است. ریشه این نزاع به جایگاه دیرینه و منحصر به‌فرد ایران در منطقه بازمی‌گردد. اگر بخواهیم تمامی این گفت‌وگوها را در یک کلام خلاصه کنیم، به یک گزاره حقوقی و بنیادین به اسم استقلال می‌رسیم. استقلال به معنای تمام‌عیار آن، یعنی توانایی ایستادن بر پای خود در همه زمینه‌ها باوجود تمامی فراز و نشیب‌ها، توانمندی‌ها و ضعف‌ها، این به آن معناست که ملت ایران، مستقل از هر قدرت مسلط و هژمونیک در دنیا، سرنوشته خود را به دست خود رقم بزند. این منازعه تاریخی ۴۷ – ۴۸ ساله که از آغاز انقلاب اسلامی تا به امروز تداوم یافته، بر حس فراست استقلال بوده است. بسیاری از مناقشات داخلی که در عرصه سیاسی و در میان گروه‌ها و نهادهای کشور مشاهده می‌شود نیز ناشت‌گرفته از همین موضوع است که ما اساساً به مقوله استقلال چگونگی اندیشیم و چگونه آن پاسداری می‌کنیم.

عطاریانفر اضافه کرد: باور دارم در پی این حوادث، یک توافق تاریخی در بطن جامعه

سیاسی و عموم مردم ایران شکل گرفت. این توافق بر مبنای حساسیت قووق‌العاده‌ای است که تمامی اقشار جامعه نسبت به استقلال، به‌عنوان گوهر حقیقی و هستی ایران، از خود

به این دستاوردها برسد. این ظرفیت بومی‌شده



رضا دهشیری / جوان

همدلی چگونه نقشه دشمن را بر آب کرد

خوابی که درباره ایران تعبیر نشد و نمی‌شود

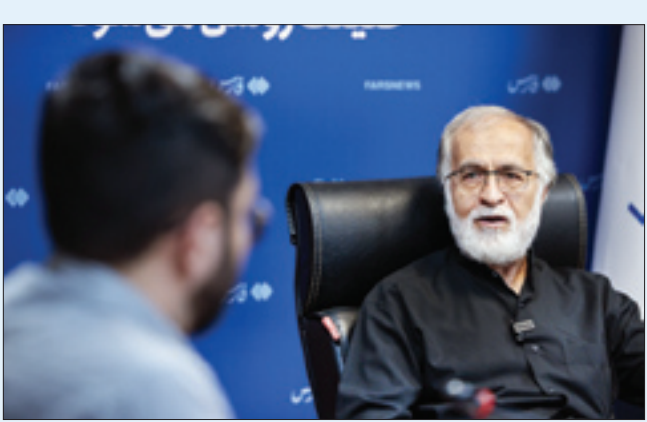
تجاوز رژیم‌صهیونیستی و امریکا به خاک کشور و در مرحله دوم، پروژه شکست‌خورده دشمن برای ایجاد آشوب مسلحانه عمل کرد. به شهادت رسیدن شماری از مدافعان میهن و پایدردی آنان در صیانت از مرزا، چنان خروش میهن پرستانه‌ای در جان جامعه برانگیخت که علیه ایران باطل کرد و محاسبات‌شان را به طور سرمایه‌گذاری کرده‌اند، نابود شود. در واقع، آنان دریافتند که در کشان از جامعه ایرانی تاجه‌اندازه نادرست بوده و در نتیجه اجرای راهبرد تغییر از درون را غیر ممکن ساخته است.

■ **دو معنای مجزا برای همبستگی ملی**
باید توجه داشت که انسجام ملی دو وجه اساسی دارد: نخست، تعمیق پیوندهای همدانه میان مردم و دوم، همبستگی و حمایت عمومی برای حاکمیت. علاوه بر این، وجود دشمنان خارجی می‌تواندآوزان به خاک کشور نیز در تقویت این انسجام نقش بسزایی ایفا می‌کند. نتیجه بنیادین تجلی این دو وجه انسجام، تقویت قرار می‌دهد، شکل‌گیری هر دو نوع انسجام ملی و رشد تصاعدی آن به تناسب تشدید حملات امریکا و رژیم‌صهیونیستی است. این دو جنبه‌سازاری از کودکان و مردم عادی رنگ و بخت و خوی ایران سستیزانه و ریبیکارانه‌شان را بر همگان رسوا کرد. در واقع، ادراکات جامعه بر پس‌زدن روایت‌های جعلی از سبوی آنها، واقعیت‌ها را بازتاب داد. بر همین اساس، جبهه امریکایی - صهیونیستی زمانی که متوجه شدند تداوم جنگ، نه تنها مفروضات ذهنی آنها را

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران درباره

فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

«انسجام ملی» محصول فهم مردم بود نه احزاب



غنی‌سازی و توانمندی فناوریانه، حاصل تلاش داخلی کشور بوده است. جدیدی به خود گرفت. دانشمندان ایرانی، متناسب با نیازهای داخلی و ضرورت رشد، فهم تکنولوژیک و علمی، توانستند مرزهای دانش را در حوزه هسته‌ای به نفع کشور جابه‌جا کنند. این پیشرفت، طبیعتاً مورد انتظار جامعه جهانی، به‌ویژه ایالات‌متحده و قدرت‌هایی که برای دیگر کشورها تعیین تکلیف می‌کنند، نبود، بنابراین اگر بخواهیم تحلیل را مختصر کنیم، می‌توان گفت که ورود امریکا به این مناقشه از درجه نگاه تاریخی بلندمدت خود، به دلیل پایداری ایران بر استقلال خود باوجود تمامی فراز و نشیب‌ها، ضعف‌ها و توانمندی‌ها بوده است. این درک گوهر خانواده و مرکزیت مشترک آن را تهدید کند، همگی برای مقابله با دشمن خارجی متحد شده و مقاومت می‌کنند. این پدیده بسیار درخشان بود و ما این پیام مهم را طبیعتاً از جانب مردم به‌حاکمیت منتقل کردیم. این رویداد، به اعتقاد بنده، ارزشمندترین حادثه‌ای است که به نفع ایران رقم خورد. اگر چه واکنش سریع ایران در برابر حملات موسیقی و بمباران‌های امریکا با اسرائیل می‌تواند به توقف و آتش‌بس منجر شود، اما تمام ظرفیت این

آتش‌بس صرفاً به توان نظامی محدود نمی‌شود. علاوه بر سهم مؤثر نظامیان، یک ظرفیت نهفته

و ناپیدا وجود دارد که آن را «فهم انسجام ملی از منظر دشمن خارجی» می‌نامیم. زمانی که

قدرت خصم و دشمن از دور نظاره‌گر است و می‌بیند که حاکمیتی با ۲۷ سال مقاومت، در

کنار تمامی گرفتاری‌ها، ضعف‌ها و قوت‌های

درونی و مامعده‌ای طبعیات مختلف آن

همواره نگاه یکسانی به حکومت نداشته‌اند،

در این معادله و واقعه خاص یکپارچه‌شده و

از خود دفاع می‌کنند، این خود یک پستوانه

تاریخی بلندمدت است که هیچ‌گاه نمی‌توان

با آن مقابله کرد.

عطاریانفر با دره‌گونه نقش آفرینی جریان‌های

سیاسی در ایجاد انسجام ملی تصریح کرد: هیچ

جریان سیاسی، چه از طیف چپ و چه از طیف

راست، در این همبستگی ملی نقشی نداشتند،

البته مأموریت و مسئولیت‌هایی داشتند، اما

نمی‌توان آنها را در قبال این عدم‌نقش آفرینی

مقرر دانست. باید بگوییم قصور داشتند.

وی افزود: اتفاقات اخیر، ناشی از فهم فراگیر

و ظرفیت درونی جامعه بود که به شکلی

بی‌سابقه شکفته شد. تک‌تک مردم، باوجود

دغدغه‌های اقتصادی، معیشتی، امنیتی،

مناسبات اجتماعی، سرنوشت فرزندان، روابط

خانوادگی و فساد که پیرامون خود می‌دیدند

که قاعدتاً باید آنها را از همراهی با نظام دور

می‌کرد، در این شرایط کنار آمدند. آنها درک

کردند که باید در مقام خاموش کردن آتشی

باشند که در حال فراگرفتن خانه ماست، این

خود، ارزشی بزرگ دارد.

بسیار درخشان بود و ما این پیام مهم را طبیعتاً

از جانب مردم به‌حاکمیت منتقل کردیم.

این رویداد، به اعتقاد بنده، ارزشمندترین

حادثه‌ای است که به نفع ایران رقم خورد. اگر چه

واکنش سریع ایران در برابر حملات موسیقی و

بمباران‌های امریکا با اسرائیل می‌تواند به توقف

و آتش‌بس منجر شود، اما تمام ظرفیت این



شتر در خواب بیند پنبه‌دانه!

با گذشت بیش از دو هفته از توقف جنگ تحمیلی اخیر رژیم صهیونی علیه ایران که با در خواست طرف مقابل و به دلیل قدرت سهمگین عملیات‌های ترکیبی نیروهای مسلح و انسجام بی‌نظیر ملت ایران رخ داد، آثار جدیدی از «لشه‌دگی» اسرائیل از حملات موسیقی ایران نمایان می‌شود. نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی که در روز توقف آتش اعلام کرد بخش اعظمی از توان موسیقی ایران را از بین برده، در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز امریکا گفت در خصوص لزوم وضع محدودیت‌های جدید بر برنامه موسیقی ایران فراقتنی کرده است. او خواستار آن است که باید بر مذاکره‌ای متمرکز شد که در توافق پایانی آن جمهوری اسلامی ایران از توسعه و تولید موشک‌هایی با برد بیش از ۲۸۰ کیلومتر منع شود، یعنی اولاًاعتراف می‌کند قدرت موشکی ایران پابرجاست، ثانیاً می‌خواهد عملاً برنامه موشکی ایران به تعطیلی کشانده شود تا دست ایران از ابزار دفاع از خود خالی بماند.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR، در سرمقاله شماره ۲۳ خود اضافه کرده است: درک ابعاد چنین درخواستی، تنها با تکیه بر تجربه و حافظه تاریخی ملت ایران امکانپذیر است. ملت ما به‌خوبی به یاد دارد که عقب‌نشینی در برابر زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های غربی، نه تنها به کاهش فشارها منجر نشده، بلکه آنها را در پیگیری مطالبات غیرقانونی و فراتر از تعهدات بین‌المللی، وقیح‌تر ساخته است. نمونه بارز آن، توافق هسته‌ای (برجام) بود که به رغم پایبندی کامل ایران به تعهدات خود، با عهدشکنی طرف غربی و اعمال فشارهای جدید مواجه شد. در چنین شرایطی که همه اطراف، بر پیروزی ایران در جنگ اخیر معترفند، مطالبه تعطیلی عملیاتی صنایع موشکی ایران، آخرین تلاش‌های رژیم صهیونی برای برهم زدن توازن راهبردی و تضعیف موقعیت دفاعی کشور تلقی می‌شود. آنچه در قبال‌های اخیر با رژیم‌صهیونیستی رخ داد، به‌روشنی نشان داد که در غیاب ابزارهای بازدارنده مانند موشک‌های بالستیک، کشور در برابر تهدیدات دشمنان دچار مشکل جدی خواهد شد و آنچه این باند جنایتکار را متوقف کرد، ضریات سهمگین ناشی از همین موشک‌ها به پشته‌وان انسجام ۹۰۰میلیونی ملت ایران بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از دهه ۴۰ و روزهای آغازین حرکت نیروی مسلح به سمت خودکفایی در حوزه موشکی به عنوان پشتیبان اصلی این حوزه بر اعتلای آن و به عنوان فرمانده کل قوا نیز بر پیشرفت‌های فنی و راهبردی این صنعت تأکید فرموده‌اند. در حوزه سیاسی نیز وقتی نظام استکبار بر برجام ۲ تبلیغ می‌کرد، ایشان توان دفاعی اما به جمله ظرفیت‌های موشکی را غیرقابل مذاکره و به‌رغم عقب‌نشینی در این حوزه را به معنای فروپاشی امنیت ملی دانستند. امروز نیز به پشته‌وان حمایت ملت و قدرت کینظیر موشکی، جایگاه ایران در مدال‌ات منطقه‌ای و بین‌المللی مشخص است و این جایگاه هر منق قدرت بازدارنده‌ای است، اعتماد به توان داخلی و پیشرواوی در راه مقاومت بوده و این توانمندی نه یک انتخاب تاکتیکی، بلکه ضرورتی راهبردی در جهت حفظ استقلال، امنیت و کرامت ملت ایران است.

نگاه مجددی به تصاویر اندکی که از سانسور چندلایه اسرائیل عبور کرده است، نشان می‌دهد که چرانتانیاهو به پریشان‌گویی درباره ایجاد محدودیت برای برنامه موشکی ایران افتاده است، و راه‌حل خلاصی از این جهنم را فقط تسلیم ایران و پایان برنامه موشکی‌اش می‌داند، اما شتر در خواب بیند پنبه دانه...

یادداشت‌های همدلی

سیداصلاحی

ضرورت بازآفرینی قدرت سخت و نرم

جنگ ۱۲ روزه صهیونیسم جهانی علیه ایران تبعات سیاسی و اجتماعی بین‌المللی متفاوتی را در سپهر سیاست اجتماعی ایران و جهان به‌وجود آورد که تجدیدنظر در سبب‌ها، ساحت‌ها و همچنین تقویت برخی سیاست‌ها امری لازم و ضروری است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- توجه به نفوذ و لایه‌های پنهان آن یکی از اولویت‌های نظام حکمرانی پس از جنگ اخیر است. رصد و محاکمه شبکه جاسوسی گسترده که با یارگیری دشمن صهیونیسم از داخل کلید خورد و گسترده شد، یکی از اولویت‌هاست. اگر فرایند رصد و محاکمه به تعویق افتاده از شباب لازم بر خوردار نباشد، شبکه‌های اخیر مجدداً بازسازی و فرماندهان، نخچین و مردم‌بیشتری را از این دیار می‌ستانند، البته نباید از بازی‌های رسانه‌ای دشمن در جنگ شناختی غافل شد. دوقطبی‌سازی‌های جعلی که امروز حول دو گانه‌های امت - ملت، ملی‌گرایی باقرات‌باستان‌گرایی و تقابل آن با شیعه‌گرایی در آن دمیده می‌شود، از ابعاد جنگ شناختی دشمن است. دانشمندی‌های استاد جنگ‌های برآمده از دوقطبی‌سازی است، بنابراین بهترین دفاع در این حوزه همچنان آگاهی تاریخی وحدت و انسجام ملی حول محور ایران شیعی است. در برابر این دو گانه‌سازی‌ها باید از تمامی ظرفیت‌های قهرمانانه حضرت علی(ع) و تمثال اساطیری حسین‌بن‌علی(ع) در برابر ظلم و ستم و عاشران نیز سود جست. ۲- تبیین قدرت سخت: حتماً باید از تقای بازدارندگی ایران در دو حوزه پدافند هوایی و نیز آفندی مورد توجه کارگزاران و فرماندهان در میدان باشد. نقاط ضعفی که در جنگ اخیر خود را نشان داد و البته به موازات توانمندی‌های پهبادی و موشکی که نقطه قوت جنگ سخت ما با دشمن بود، ضعف پدافند هوایی باید بازسازی و ترمیم شود. همچنان همراه با بازبینی قدرت سخت نباید از تمامی مؤلفه‌های قدرت نرم از جمله تسلط بر فضای رسانه و نیز اصلاح رویکرد در حوزه سیاست خارجی غافل ماند. جهت تقویت این اقتدار لازم است در حوزه دیپلماسی نیز استفاده از مذاکره دچار تغییرات ماهوی شود. هر چند مذاکره ابزاری دیگری برای تله‌های فریب دشمن را ندهد. ۳- تغییر رویکرد در تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی: یکی دیگر از اولویت‌تغییر رویکرد ما با آژانس بین‌المللی انرژی و سه کشور اروپایی است. با توجه به نقش آژانس در حمله اخیر از طریق ارائه گزارش دروغین رافائل گروسی به شورای حکام تغییر رویکرد با آژانس ضروری است، هر چند با تصویب طرح تعلیق همکاری با آژانس در مجلس و ابلاغ آن به دولت این فرایند تا حدودی عملیاتی شد اما باید با اراده قوی آن را پیگیری کرد و دچار ضعف و سستی در اجرا نشد. دل‌بستن به وعده‌های دشمن در این مقطع خطر ناک خلاف غلظت سیاسی و منافع ملی است. با توجه به حرکت اخیر سه کشور اروپایی در راستای فعال کردن کنوانسیون ماشه در برجام، مهاده‌های که در حال حاضر حتی موضوعیت آن محل اشکال است، اعتماد به دشمن و همپیمانان او نهایت سادهلوحی است.